

عنوان مقاله:

کم و کیف قیاس در مثنوی

محل انتشار:

فصلنامه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 10، شماره 19 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 35

نویسنده:

محمد تقوی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

قیاس چه به معنی لغوی (مقایسه و همانندی برقرار کردن میان دو یا چند چیز) و چه به معنی اصطلاحی (انواع قیاس منطقی و اصولی) بسامد زیادی در مثنوی دارد. در عین حال، مخالفت با قیاس یکی از موضوعات مهم در تعلیم عرفانی مولانا بویژه در حوزه شناخت، به شمار می رود. در مثنوی، قیاس گاه به معنی دلیل و برهان عقلی آمده است، گاه به معنی حدس و گمان، و زمانی به معنی اصطلاح منطقی و در تمام موارد، مولانا با آن مخالفت می ورزد. قیاس کردن به عنوان عامل اصلی خطای شناختی آدمیان، محور اصلی بسیاری از داستانهای مثنوی هم هست، به طوری که تقریباً در تمامی داستانهای دفتر اول خواننده با کاربردهای مختلف قیاس باطل و اغلب مخالفت با آن مواجه می شود. در این مقاله پس از اشاره به معانی مختلف قیاس، ضمن مرور چندین داستان مثنوی دغدغه و حساسیت مولانا را در این زمینه نشان داده ایم. گرچه مولانا در مقام یک شاعر باید بیشتر به شباهتها و برقراری نسبت میان چیزها تاکید کند، اما در مقام یک عارف متفکر و متامل در پی تاکید بر تفاوتها و امتیازات امور و پدیده ها هم برآمده است. این مساله ضمن آنکه قدرت فکری مولانا را در کنار قوت شاعری او نشان می دهد، تعهد عرفانی او را نیز نشان می دهد که بر اساس آن قیاس را مردود و موجب خبط و خطا شمرده است، بویژه وقتی از تجربه ها و حقایق فراترازحواس و طبیعت، که مدعای اصلی یک عارف امکان دسترسی بدانهاست، سخن به میان می آید. اما نکته مهم در این میان این است که مولانا خود در عمل تن به قیاس می دهد و در تبیین بسیاری از مسایل اخلاقی و عرفانی انواع قیاسها را به کار می برد.

کلمات کلیدی:

مولانا، قیاس، عرفان نظری، وحی و الهام، مثنوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1734527>

